دانستنی‌های کیفری

آنچه راجع به مجازات‌ها باید بدانیم

مجازات در نگاه عامه مردم زندان است و ولاغیر. این درحالی است که در قوانین انواع مختلفی از مجازات‌ها پیش‌بینی شده است. البته بی‌اطلاعاتی از نحوه مجازات‌ها تا جایی است که بارها شاهد بوده‌ایم تفاوت حبس تعزیری با حبس تعلیقی را افراد نمی‌دانسته‌اند. یا تفاوتی میان حدود و قصاص و مجازات‌های تعزیری قایل نیستند. به‌طور کلی مجازات‌هایی که درنظر گرفته شده‌اند برآمده از شرع و قوانین هستند. آنچه در شرع ذکر شده قابل تعدیل و تخفیف نیست و آنچه قانون‌گذار مشخص کرده با توجه به شرایط خاص امکان تخفیف و تشدید مجازات را دارد.

تعریف مجازات‌ها

مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر و در اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات آمده است: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و درواقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات است.» یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است. در نظام جزایی، زمانی که صحبت از اجرای نوع خاصی از مجازات به میان می‌آید، بدون‌شک اهداف و خواسته‌های عمل موردنظر است. این اهداف در عصر و زمانی دچار تغییرات و دگرگونی شده، چنانچه زمانی مجازات‌ها جنبه اخلاقی و زمانی جنبه ارعابی داشته و گاهی نیز هدف از مجازات اصلاح و تربیت مجرم بوده است. در تعریف مجازات باید جنبه‌های مختلف آن را درنظر قرار گرفت:

۱- مجازات ملازمه با عدالت واقعی دارد. پس نخستین نکته در بیان تعریف مجازات، رعایت عدالت است.

۲- اگر برای شناخت حقیقت مجازات به تاریخ مراجعه کنیم، ملاحظه می‌شود که مجازات در ابتدای امر عبارت از عکس‌العمل جامعه در مقابل عمل مجرمانه بوده، ولی بعدها که جامعه تشکیلات انتظامی یافت و دولت به وجود آمد، این عکس‌العمل اجتماعی هم شکل حقوقی به خود گرفت. بنابراین مجازات باید هدفی را تعقیب کند و این هدف باید در تعریف کاملا مشخص شود.

۳- واضع و اجراکننده مجازات باید در تعریف ذکر شود.

۴- محدوده مجازات باید مشخص شود.

مجازات‌ها به ترتیب و تفکیک به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

حد: (حدود) به مجازاتی گفته می‌شود که نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع تعیین شده و قابل‌تعلیق یا تعطیل کردن نیست، البته قاضی دادگاه هم حق کم یا زیادکردن یا تخفیف آن را ندارد، مثل حد زنا، سرقت و مشروب.

قصاص: مجازاتی که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر شود، نه کم و نه زیاد. مثل قتل یا قطع‌کردن عمدی عضو از بدن که برابر آن دست طرف هم باید قطع شود.

دیه: مالی است که توسط شارع برای جنایت برحسب مورد تعیین شده است.

تعزیر: مجازاتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و مقابل حدود است و به‌نظر حاکم (قاضی) واگذار شده، از قبیل حبس یا جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق حتما باید کمتر از حد باشد.

مثال: وقتی حد شرب (مصرف مشروبات الکلی) ۸۰ضربه تازیانه است، برای خریدوفروش و نگهداری ۷۴ضربه شلاق درنظر گرفته می‌شود که به شلاق اولی حد و دومی تعزیر گفته می‌شود، ضمنا نحوه زدن شلاق حد با شلاق تعزیری فرق دارد.

مجازات بازدارنده: مجازاتی که از طرف حکومت به‌منظور حفظ امنیت و نظم و مراعات مصلحت اجتماع در مقابل تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌شود. از قبیل حبس، جریمه نقدی، تعطیل‌کردن محل کسب، لغو پروانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، تبعید، منع اقامت در یک محل و ... البته در میان مجازات‌های که نامبرده شد، اجرای مجازات حبس به شرایط خاص زمان و مکان بستگی دارد. در رابطه با تفاوت مجازات‌های تعزیزی و تعلیقی هم باید به امکان معلق‌شدن مجازات‌ها تحت‌شرایط خاص اشاره کرد. قاضی می‌تواند با توجه به اختیارات قانونی خود، شرایط مجرم و نحوه وقوع جرم به صلاح‌دید مجازات فرد مجرم را تعلیقی صادر کند تا در صورت عدم‌تکرار مجازات انجام نشود و اگر در زمان اجرای حکم تعلیقی فرد مرتکب جرم شود، مجازات تعلیقی هم درنهایت اجرایی خواهد شد.

بدانیم

پرسش و پاسخ حقوقی

روزنامه «شهروند» با هدف بالابردن دانش حقوقی خوانندگان در ستون «بدانیم» سوالات و پاسخ‌های متداول حقوقی و قضائی شهروندان را منتشرمی‌کند.

در خصوص کالای قاچاق که محکوم به جزای نقدی است، در صورت عدم پرداخت محکوم‌به که جزای نقدی است به‌ازای هر ۵هزار تومان یک‌روز حبس می‌شود یا هر ۱۰هزار تومان؟

با توجه به تبصره ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی رقم بازداشت بدل از جزای نقدی به موجب بخشنامه شماره ۱۱۱/۵۲/۲۵۱۴ وزیر دادگستری به مبلغ ۱۵۰هزار ریال افزایش یافته‌است.

متوفی مرد ۷۹ساله بوده که متعاقب تصادف دچار ضربه سر، جراحات سروصورت و شکستگی دنده شده و حدود دوروز بعد فوت کرده است. با توجه به معاینه جسد، کالبدشکافی و آزمایش‌های سم‌شناسی علت مرگ بیماری پیشرفته عروق قلب و عوارض آن است، صدمات ناشی از تصادف در تشدید بیماری و تسریع در مرگ به میزان ۷۰درصد موثر بوده، متذکر می‌شود متوفی عابر پیاده بوده که در سانحه رانندگی فوت شده و مقصر حادثه راننده سواری اعلام شده است، بزه انتسابی به متهم چیست؟

با توجه به متن سوال مبنی بر فوت عابر پیاده در تصادف رانندگی و نیز مقصرشناخته‌شدن راننده خودرو مورد تصادف بزه انتسابی به متهم مستندا به ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی قتل غیرعمدی است که دیه آن براساس نظر کارشناس پرداخت خواهدشد.

چنانچه فردی نسبت به یک مالی دو معامله با سند عادی انجام دهد، آیا معامله دوم انتقال مال غیر است یا جرم دیگری است؟ دادگاه صالح محل وقوع معامله نخست است یا دوم؟

در موردی که شخص بدوا ملکی را به دیگری انتقال داده و ثانیا همان ملک را به دیگری منتقل کند، موضوع از مصادیق انتقال مال غیر بوده و مشمول ماده یک مجازات راجع به انتقال غیرمصوب ۱۳۰۸ است.

اینجانب در سال ۱۳۷۲ از طریق کنکور سراسری و در قالب نیمه‌متمرکز و در رشته تکنولوژی هسته جذب سازمان انرژی اتمی ایران شده‌ام. بعد از تحصیل و شروع به کار در سازمان اخیرا متوجه شدیم که در زمان تحصیل اینجانب و همکاران مشابه دیگر هیچ‌گونه بیمه‌ای واریز نشده است، آیا درخصوص عدم واریز بیمه می‌توانیم برای مدت‌زمان تحصیل ادعایی داشته باشیم؟ لازم به ذکر است در مدت‌زمان تحصیل، حقوقی به‌عنوان کمک هزینه تحصیلی دریافت کرده، همچنین تعهد محضری خدمت به میزان دوبرابر تحصیل به سازمان ارایه داده‌ایم.

اگر بنا بر این بوده فردی همزمان با تحصیل کار کند و تعهد استخدامی داده باشد، مطابق مقررات اداره که کارفرما تلقی می‌شود، باید حق بیمه شما را با شرایطی که برای شما قرارداده است، پرداخت کند. فلذا با رجوع به شرایط استخدام خودتان در مقررات آن سازمان اطلاعات لازم را کسب کرده و از شرط و شروط باخبر شده تا دلیل عدم‌پرداخت حق بیمه را در قرارداد با مستخدمان متوجه شوید. توجه کنید در غالب موارد حق بیمه از حقوق کسر و واریز می‌شود، در مواردی مستخدم حق بیمه را با حقوق اخذ کرده و در شرایط قرارداد وجود داشته است، در این صورت حق بیمه را فرد مستخدم باید خود به دایره مربوطه داده و سوابق بیمه‌ای خود را تکمیل کند. فلذا ابتدا پاسخ‌ها را اخذ کرده تا بتوان نظر قطعی داد، اما به‌طور کلی شما این حق را دارید که هرگونه حقی را که قانونی است از طریق دیوان عدالت اداری اخذ کنید. رسیدگی در دیوان منوط به تقدیم دادخواست ویژه به دیوان است. اصولا می‌توانید ادعای خود را با تقدیم اظهارنامه مخصوص از طریق دادگستری به کارگزینی سازمان مطرح کنید و یک‌هفته برای پاسخ مهلت بدهید. بسیاری از موارد و شبهات با جواب درست اظهارنامه حل می‌شود و اگر نشد هزینه طرح دعوی در دیوان زیاد نیست و نماینده حقوقی سازمان لایحه می‌دهد و اگر با بررسی نوع قرارداد اقدام آنان خلاف قانون بود، محکوم به پرداخت حق بیمه خواهند شد. البته الزامات و شرایط استخدام آزمایشی قبل از رسمی را در سازمان جویا شوید، شاید در مدت تحصیل، آن سازمان درخصوص حق بیمه آیینی دارد. امکان رجوع شما به دیوان و اخذ حق بیمه در صورت تعلق گرفتن و تخلف سازمان کاملا برای شما مهیاست.

نگاه حقوقی به جرم همسرآزاری و خشونت علیه زنان در ایران و بررسی مجازات‌های آن

پدیده‌ای شوم در جامعه

طرح: فیروزه مظفری

سیدعادل حیدری
وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه

همسرآزاری پدیده‌ای است که از زمان‌های گذشته در جوامع مختلف وجود داشته است. آزار روانی، جسمی، مالی و جنسی از جمله خشونت‌هایی است که مردان علیه زنان انجام می‌دهند. خشونت علیه زنان؛ پدیده شایع و تأسف‌باری است که ابعاد گسترده آن، زمینه آسیب‌های فردی و اجتماعی متعدد را نسبت به آنها، خانواده و جامعه فراهم می‌آورد. خشونت علیه زنان دارای سابقه‌ای به وسعت تاریخ بوده و در دهه‌های اخیر به شکل خشونت مدرن، اشکال نوینی به خود یافته است و با وجود تلاش‌های بین‌المللی حقوقدانان، کارشناسان و کنشگران اجتماعی و حقوق بشری برای رفع هرگونه خشونت نسبت به آنها سونامی خشونت علیه زنان، کماکان جاری و روزافزون بوده و هزینه‌های متعددی را بر جامعه بشری و ملی دولت‌ها وارد می‌کند.

خشونت علیه زنان از منزل و خیابان تا کوچه و بیابان، به اشکال مختلف توهین و هتک حرمت، ختنه دختران و زنان، ازدواج زودهنگام آنها، استثمار عاطفی و جنسی در منازل و محافل کار و خارج از آن، طلاق قهری، تبعیض جنسیتی و نگاه‌های سنگین مردانه، آزار جنسی و تن‌فروشی پیدا و پنهان، ایراد صدمات عمدی بدنی و حیثیتی، اخراج از منزل و ممانعت از تحصیل و کار، وضع زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ممانعت از ملاقات فرزند و سلب حضانت فرزندان از مادران، تضییع حقوق اساسی و شهروندی آنها، تضییع حقوق زناشویی، خانوادگی و فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای، بن‌بست در طلاق نسبت به زنان و اجبار عینی و عملی آنها به مهرم حلال، جانم آزاد، برای رهایی از تقید زوجیت و زناشویی متلاطم خویش در طی سال‌های متعدد برای تعیین تکلیف وضع حقوقی و قانونی خود و تبعیض و تفکیک جنسیتی، به‌انحای مختلف دیگر و درجات متفاوت در جامعه به‌طور نسبی و فزاینده، حسب مورد، وجود داشته و محصور به قتل علیه زنان در کشور، در معنای خاص آن نیست. پرونده‌های متعدد قضائی موجود و جاری در محاکم قضائی و خانواده و وضع بحران خانواده در ایران؛ کمترین گواه بر این مهم است. علاوه بر این، با مراجعه به صفحه حوادث رسانه‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی و نیز کلانتری‌ها و ادارات آگاهی تهران بزرگ و دیگر دوایر مشابه در کل کشور (دایره ویژه قتل) و مشاهده خانواده‌ها و مراجعه‌کنندگان متعدد برای پی‌جویی و شناسایی عزیزان گم‌گشته خویش در لابه‌لای آلبوم‌های تصویری مقتولان بی‌نام‌ونشان مضبوط در آن ادارات؛ وضع و اهمیت خشونت فزاینده علیه زنان در جامعه بیشتر درک می‌شود! بر این اساس؛ ضروری است در مقام مدیریت خشونت فزاینده علیه زنان و افزایش ضریب امنیت انسانی و حقوق شهروندی و اساسی در بین شهروندان و جامعه، خصوصا نسبت به زنان برآمد.

واژه همسرآزاری که در اذهان عموم به‌عنوان خشونت شوهر علیه زن به کار می‌رود، در تمام اعصار و جوامع وجود داشته و با نهایت تأسف در جوامع امروز نیز باوجود فضای به ظاهر طرفدار حقوق زنان رو به افزایش است. آمار ۴۳درصدی زنان کتک‌خورده آلمانی به دست شوهرشان گویای وجود این آسیب غم‌انگیز است. باید توجه داشت که خشونت علیه زنان و به‌صورت خاص (همسران) به چندنوع مختلف است. خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه‌زدن به وسایل منزل و ضرب‌وشتم همسر، خشونت روانی و کلامی مانند تحقیر شخصیت، چهره یا شرایط جسمانی زن، ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به‌صورت تلفنی، خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و درنهایت صدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قراردادن وی به‌خاطر اعتیاد، مهمترین و شایع‌ترین انواع همسرآزاری مردان نسبت به زنان است.

مفهوم پدیده همسرآزاری

خشونت و اعمال آن از معضلات روبه‌رشد در تمامی جوامع است. این پدیده اشکال گوناگونی دارد و مردان و زنان تمامی گروه‌های سنی تحت‌تاثیر آن قرار می‌گیرند. خشونت خانوادگی به نحوه پرخاشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می‌دهد. خشونت خانوادگی گاهی اوقات تحت‌عنوان همسرآزاری، خشونت زناشویی، زن‌آزاری، شریک‌آزاری و عبارات دیگر توصیف شده است.

براساس تحقیقات پزشکی قانونی، همسرآزاری در تمامی طبقات اجتماعی از فقیرترین تا غنی‌ترین و حتی خانواده‌های تحصیلکرده اتفاق می‌افتد و محدود به قشر خاصی نیست. همسرآزاری به شکل‌های مختلف در جوامع بروز می‌کند و در هر خانواده‌ای با هر شرایط و موقعیت اجتماعی ممکن است نمونه‌ای از همسرآزاری وجود داشته باشد. همسر به زن و شوهر گفته می‌شود و آزار نیز به معنی معکوس کردن بایدها و نبایدهاست. بنابراین در تعریف همسرآزاری می‌توان گفت معکوس کردن بایدها و نبایدها برای زن یا شوهر همسرآزاری محسوب می‌شود. همسرآزاری را می‌توان به ۴ گروه همسرآزاری روانی، مالی، جنسی و جسمی تقسیم کرد. برآورده‌نشدن هر یک از نیازها در زمینه‌های مالی، روانی و جنسی می‌تواند یکی از انواع همسرآزاری را به دنبال داشته باشد.

فقر، اعتیاد، بی‌دقتی در انتخاب همسر، تفاوت‌های فرهنگی، رشد اجتماعی زنان و عدم باور مردان، مرد یا زن‌سالاری، نقش رسانه‌ها در ارایه چهره‌ای نادرست از زنان و ازدواج‌های قبل از رشادت از جمله عوامل زمینه‌ساز همسرآزاری است. درصورتی که مرد قادر به تامین نیازهای مادی همسر و خانواده‌اش نباشد، ممکن است تبعات آن به‌صورت همسرآزاری بروز کند و مرد از شرایط عادی خارج شود. از سویی اعتیاد نیز به دلیل بالابردن هزینه خانواده و ایجاد علایم افسردگی در فرد، زمینه‌ساز همسرآزاری است.

نگاه ویژه حقوق بشر به زنان

با توجه به این که سازمان ملل، سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرده است و از آن‌جا که ناآگاهی همه انسان‌ها، به‌ویژه زنان از این حقوق آنها را از برخورداری کامل از آن حقوق باز می‌دارد، لذا آگاه‌سازی عموم، سوادآموزی حقوقی و ارتقای فرهنگ حقوق بشر، توسعه و صلح از طریق هماهنگی و همکاری با گروه‌های محلی و منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی و نیز رسانه‌ها در سراسر جهان برای اجرای برنامه‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر می‌توانند موثر باشند. در این میان خشونت علیه زنان از جمله مسائلی است که در تمام جوامع فراگیر است. خشونت‌های جنسی، جسمی و... باعث شده تا محیط امن خانه برای همسران ناامن شود. اما شناخت زنان از حقوق خود و قوانینی که به نفع آنها در جهت ایجاد امنیت و آزادی نگاشته شده سبب خواهد شد تا از میزان خشونت علیه زنان نیز کاسته شود. از سویی در فضای جامعه غربی نیز پدیده همسرآزاری گسترش یافته و اعلامیه جهانی حقوق بشر در موادی بر حفظ حقوق زنان در جهت جلوگیری از همسرآزاری تاکید کرده است. اما آنچه در میان این قوانین مهم جلوه می‌کند، میزان ظرفیت جوامع در اجرای آنهاست و باید ضمانت اجرایی در جوامع بالاخص با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته باشد. اگرچه در سال‌های اخیر، با افزایش تعداد تشکل‌های مدافع حقوق زنان و حمایت دولت از رشد این تشکل‌ها، صداهای بسیاری در حمایت از حذف خشونت علیه زنان بلند شده است، اما هنوز قوانین حمایت‌کننده از زنان کافی نیست و زنان نیز بنابر سنت اجتماعی، در موارد بسیاری ترجیح می‌دهند بنابر مصلحت یا حفظ آبرو، خشونت‌ها علیه خویش را پنهان کنند. آیا راه‌حلی وجود دارد؟ بازنگری قوانین کشورها، یکی از نخستین راهکارها برای حذف خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. به اعتقاد نهادهای مدافع حقوق زنان، نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. دولت‌ها تشویق و ترغیب شوند تا قوانین را رعایت و قوانین نامناسب را عوض کنند. در سطوحی پایین‌تر نیز باید با کمک به رشد نهادها و تشکل‌های غیردولتی زنان، به مهار اجتماعی خشونت علیه زنان مبادرت ورزید. با همکاری و توسط این تشکل‌ها، زنان باید بیشتر به حقوق خود در برابر خشونت آگاه شوند. با این وجود، حضور و نقش مردان در حذف خشونت علیه زنان، اساسی و ضروری است و بدون جلب همکاری مردان، حذف خشونت ممکن نیست. مردان هم باید وادار شوند که سکوت خود را بشکنند و وارد این وادی شوند.

جایگاه زن بزه‌دیده در نظام قضائی - تقنینی ایران

طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل ۱۱ برنامه توسعه چهارم (۱۳۸۳) قوه قضائیه موظف بوده است لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را تهیه کند و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع بزه و جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افزون بر تحلیل علمی بزهکاری و مجرمیت، مجرم یا بزهکار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند. اقدام مهم دیگر در این خصوص حمایت از بزه‌دیدگان است. بزه‌دیده در شرایط مختلفی قرار می‌گیرد: در یک حالت، تاشناسایی مجرم و بزهکاری، هیچ‌گونه حمایتی از او صورت نمی‌گیرد و پیامد این بزهکاری می‌تواند آسیب‌های جدی اجتماعی و اقتصادی به او وارد کند. در حالت دیگر، در صورت شناسایی مجرم یا بزهکار، رسیدگی و تحلیل پرونده مدت‌ها طول کشیده و بزه‌دیده همچنان با مشکلات درگیر می‌شود و در حالت سوم و اعمال محکومیت مجرم، در بیشتر موارد، جبران خسارت بزه‌دیده به شکل مطلوب انجام نمی‌شود. اگرچه برهه‌ای از خسارت‌ها از نظر ماهوی جبران‌ناپذیرند، مانند آسیب‌های جسمانی منجر به ناتوانی یا معلولیت و آسیب‌های روانی و حیثیتی. در این موارد نیز باید اقدام جدی و قانونمند برای حمایت از بزه‌دیده انجام‌داد.

اقدام قانون‌گذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب‌های روانی بر وی در مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی قابل‌تقدیر است. در ماده ۶۴۲ عدم‌پرداخت نفقه زن توسط مرد را وصف کیفری بخشیده و در ماده ۶۴۵ نیز در جهت حفظ امنیت و آسایش زن و رفع عسر و حرج از وی در اثبات رابطه زوجیت، مردی را که بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی مبادرت به ازدواج دایم، طلاق و رجوع کند، به مجازات حبس تعزیری تا یک‌سال محکوم کرده، نکته قابل‌توجه در این ماده عدم مجازات زن است. اگرچه عقد ازدواج با قصد و رضای زوجین واقع می‌شود؛ اما قانون‌گذار در این ماده صرفا برای زوج که مبادرت به ازدواج بدون ثبت آن در دفاتر رسمی کرده است، مجازات قرار داده و این امر نشانگر توجه مقنن به جایگاه ضعیف اراده زن در تکوین زندگی زناشویی است. درخصوص استنکاف زوج از پرداخت نفقه نیز اگرچه به این الزام در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی اشاره شده است، اما اعطای وصف کیفری به عمل تارک انفاق در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی موجب سرعت‌بخشیدن به احقاق حق زوجه در مطالبه نفقه حال است.

از مصادیق قابل ستایش دیگر عملکرد قانون‌گذار در توجه به جنسیت بزه‌دیده، تدوین ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی و اعطای وصف کیفری به توهین‌کنندگان و مزاحمان اطفال و زنان در انظار است. مطابق این ماده هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند؛ به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ضربه شلاق محکوم خواهد شد. این ماده از چند جهت قابل توجه است. از یک طرف عمل مزاحمت در معابر و خیابان‌ها را که نسبت به مردان فاقد جنبه کیفری بود، نسبت به زن قابل مجازات دانسته است. ذکر عنوان «مزاحمت» بی‌هیچ قید و شرطی سبب می‌شود هر عملی که در نظر عرف موجب به زحمت انداختن دیگری شود در حیطه ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد و از سوی دیگر اهانت به زن در معابر و خیابان‌ها مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به توهین ساده دانسته شده است. مهمترین نکته در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی اعطای جنبه عمومی به عمل مرتکب و غیرقابل گذشت بودن جرم است. از نظر مقنن تعرض به اطفال و زنان در انظار عمومی آنچنان زشت است که حتی گذشت شاکی خصوصی نیز نمی‌تواند مجرم را از تعقیب و مجازات معاف کند. در نقد گام‌های قانون‌گذار ایران از منع خشونت‌های روانی علیه تمامیت معنوی زنان در محیط خانواده، باید به ضعیف‌بودن این گام‌ها اعتراف کرد. از یک‌سو عدم‌توجه به سوءرفتار علیه زن در محیط خانواده که با محدودکردن حقوق اجتماعی زن از جمله حق اشتغال، تحصیل، فعالیت اجتماعی و حقوق انسانی وی صورت می‌گیرد و از سوی دیگر بیان کلی بایدها و نبایدها از حقوق و تکالیف زوجین که تصوری غلط در ذهن عوام ایجاد می‌کند، از نقایص کار قانون‌گذار است. از آن‌جا که قضات شریف نیز در عرف عام غوطه‌ورند این تصور دور از واقعیت گاه به عرف خاص قضات و رویه قضائی وارد می‌شود. به‌عنوان مثال حکم مندرج در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر، این تصور غلط را در اذهان ایجاد می‌کند که تمامی فعالیت‌های زن حتی دیدار وی با والدین باید با اجازه شوهر باشد. همچنین ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی درخصوص حق شوهر بر منع زن از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا شوهر باشد به‌طور عام، بدین گونه که حق اشتغال زن منوط بر اجازه مرد است، تفسیر شده است. چنین برداشتی از مواد فوق ناشی از باور غلطی است که عرف از «خدای دوم بودن شوهر» دارد و حیطه این خدایی را صرفا در حقوق زوج و نه تکالیف وی تفسیر موسع می‌کند.

ابتکارات جدید ایران در حمایت از زنان خشونت‌دیده

۱- شورای عالی توسعه قضائی با هدف اصلاح قوانین مربوط به حوزه زنان در کمیته «حمایت از بزه‌دیدگان» به شناسایی مشکلات زنان بزه‌دیده، به‌ویژه بزه‌دیدگان جرایم جنسی در فرآیند کیفری و تهیه و تدوین قانون حمایت از بزه‌دیدگان (که در آن حمایت از زنان بزه‌دیده به‌عنوان یک گروه از بزه‌دیدگان خاص مورد توجه قرار گرفته است) می‌پردازد. به‌علاوه کمیته «پیشگیری از جرم» هم درحال تهیه و تدوین برنامه‌های پیشگیری از جرم است که یکی از بحث‌های مهم آن پیشگیری از جرایم علیه اطفال و زنان و برنامه‌هایی در جهت افزایش آگاهی‌های زنان نسبت به اتخاذ تدابیر پیش‌گیرنده از جرم و بزه‌دیدگی است.

۲- طرح ایجاد خانه‌های امن، طرحی است که در بسیاری از کشورهای دنیا با پشتوانه تحقیقی- پژوهشی به اجرا درآمده و تاکنون به بسیاری از مشکلات پاسخ داده و حتی در امر پیشگیری درگیری‌های خانگی نیز موفق بوده است. به‌طور قطع مردی که مجبور به یافتن پاسخ به هیچ سوالی برای کتک‌زدن همسرش از سوی قانون و عرف نیست و زن نیز جایی غیر خانه او برای پناه‌بردن ندارد، الزامی برای کنترل و مهار خشم خود ندیده و با ایجاد کوچکترین نارضایتی و مسأله‌ای اقدام به پرخاشگری و اعمال خشونت خواهد کرد.

در راستای مهار چنین رویه‌ای و براساس مصوبه آخرین نشست اعضای شورای اجتماعی کشور قرار بر این است «خانه‌های پناهجو» با هدف حمایت از زنان پناهجو در سراسر کشور راه‌اندازی می‌شود. زنان پناهجو به زنانی اطلاق می‌شود که خشونت‌دیده یا در معرض خشونت بوده یا بنا به دلایلی از قبیل طلاق، فوت، زندانی‌بودن، اعتیاد همسر یا سرپرستی خانواده در معرض تهدید و آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و در شرایطی بحرانی با مشکل تامین سرپناه روبه‌رو هستند. طرح تاسیس خانه‌های پناهجو که چندی پیش با عنوان «خانه‌های امن» مطرح بود، از سال ۷۷ و پس از اعلام نتایج یک مطالعه سه ساله در مورد خشونت علیه زنان به‌صورت جدی جزو مطالبات مجامع کارشناسی و غیردولتی کشور قرار گرفت. طی این سال‌ها اجرای این طرح باوجود حمایت از سوی دولت همواره با مخالفت‌های جدی حقوقی مواجه بود، چرا که معتقد بودند از آن‌جا که طبق قانون داخلی زن تابع مرد است، هیچ‌کس حق ندارد زن را بدون اجازه مردش در محلی اسکان دهد و شوهر زن می‌تواند با طرح شکایت موضوع را پیگیری کند. اما این سد بالاخره در حجم انبوه مراجعات زنان آسیب‌دیده شکسته شد و از سال ۸۳ قوه‌قضائیه نیز بهترین راهکار برای حمایت از زنان خشونت‌دیده را در راه‌اندازی «خانه‌های پناهجو» یافت. اگرچه تاکنون جز «کلیات» خبر دیگری از طرح احداث خانه‌های پناهجو مخابره نشده است، اما با توجه به تشابهات کلی این خانه‌ها با خانه امن می‌توان هدف از احداث این خانه‌ها را نیز در «ارایه خدمات به زنان خشونت‌دیده و یا در معرض خشونت، پیشگیری از بروز و رسوخ آسیب‌های اجتماعی در زنان پناهجو و زنان در معرض خطر، ایجاد بستر مناسب برای توانمندسازی زنان پناهجو و جلوگیری از تداوم خشونت علیه زنان عنوان کرد که از اجرای وظایفی مانند پذیرش و نگهداری زنان پناهجو، ارایه خدمات اجتماعی مداخله برای رفع عوامل به وجودآورنده خشونت، انجام حمایت و پیگیری وضعیت زنان پناهجو پس از ترخیص تحقق خواهد یافت.

۳- در سال‌های اخیر معمولا بزه‌دیده‌گانی که سابقا از جرایم آسیب دیده‌اند، نهادهایی مدنی (N.G.O) را با هدف امدادرسانی رایگان به قربانیان جرایم خشونت‌بار تاسیس کرده‌اند، مانند انجمن حمایت از کودکان، انجمن حمایت از زنان قربانی خشونت، انجمن مبارزه با اعتیاد یا حمایت از معتادان. در این نهادها سعی می‌شود با گفتار درمانی و روان‌درمانی قربانیان را مرمت روحی کنند و به‌تدریج از آلام ایشان بکاهند. گاه حتی زمینه ملاقات بزه‌دیده با بزهکار را فراهم می‌کنند تا در این دیدار با عذرخواهی بزهکار بخشی از پریشانی‌های بزه‌دیده تشفی یابد، یا این که بزهکار بتواند کاری برای بزه‌دیده انجام دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید این دسته از اقدامات در بزه‌دیده‌شناسی قابل اعمال در چارچوب آیین دادرسی کیفری نیست، بلکه در روابط با خسارات عاطفی، نهادهای مردمی و جامعه مدنی به کمک دستگاه قضائی می‌شتابند. در آیین‌نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی واحدهای معاضدت قضائی نقش ترمیم خسارات عاطفی را بر عهده دارند، بنابر دستور رئیس قوه قضائیه دفاتری برای حمایت از اطفال و زنان بزه‌دیده با حضور مددکاران اجتماعی تشکیل شده است. همچنین در سال‌های اخیر در کلانتری‌ها واحدهای ارشاد و مددکاری تاسیس شده است و پس از طرح شکایت افسر قضائی پرونده را جهت صلح به این واحدهای می‌فرستد تا سعی شود قضیه با مصالحه ختم شود.